

Exploring the Role of Empowerment Influenced by Planning Approaches in the Sustainable Socio-Cultural Development of Rural Settlements in the Central District of Hamadan County

1. *Hooshang Maleki*
2. *Azita Rajabi**
3. *Simin Armaghan*

1. PhD student, Department of Geography and Rural Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
3. Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Humanities, Yadgar Imam Khomeini (RA) Shahrari Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: rajabiazita04@gmail.com Received: 15.07.2023 Acceptance: 12.11.2023

*Journal of
Socio-political studies of Iran's
contemporary history*

eISSN: 2821-1294
<http://journalspsich.com>
Vol. 2, No 3, Pp: 74-95
Autumn 2023

Original research article

How to Cite This Article:

Maleki, H., Rajabi, A., & Armaghan, S. (2023). Exploring the Role of Empowerment Influenced by Planning Approaches in the Sustainable Socio-Cultural Development of Rural Settlements in the Central District of Hamadan County, *spsich*, 2(3): 74-95.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

Abstract

It is evident that although empowerment is effective in changing the lifestyle of rural inhabitants, due to the dominance of rationalist approaches in the planning system of Iran, the empowerment of rural residents has not been adequately addressed in the country's planning and policy-making. The present research, conducted through documentary and survey methods, aims to investigate the impact of planning types on rural empowerment and ultimately its effect on the sustainable socio-cultural development of rural settlements. The statistical population of this study encompasses the inhabited rural settlements in the central district surrounding Hamadan County. Out of the total 107 inhabited villages in Hamadan County, 50 settlements were randomly selected. The selection of rural settlements was done using a combined random sampling method, including stratified or class sampling. The sample size selected was 382 households, chosen randomly. For data analysis, in addition to descriptive techniques, Pearson

correlation coefficient and multivariate regression analysis were used to assess the relationship and impact among the study variables. The results showed that out of 14 indicators examined, 7 indicators (education and information, the manner and mode of participation, social capital, improvement in individuals' living standards, self-determination, trust and confidence, and transparency) have a significant correlation with the socio-cultural development component of the rural areas under study, according to experts and rural respondents. In fact, the Pearson test results indicate the existence of a relationship between the planning approach and the empowerment and sustainable socio-cultural development of the villages in the study area.

Keywords: Empowerment, Socio-cultural development, Hamadan County, Instrumental rationality.

واکاوی نقش توانمندسازی متاثر از رویکرد برنامه‌ریزی در توسعه اجتماعی - فرهنگی پایدار سکونتگاه‌های روستایی بخش مرکزی شهرستان همدان

هوشنگ ملکی^۱

آزیتا رجبی*^۲

سیمین ارمنان^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. استادیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴ | پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷ | ایمیل نویسنده مسئول: rajabiazita04@gmail.com

چکیده

بدیهی است با اینکه توانمندسازی در تغییر شیوه زندگی ساکنان روستایی موثر است اما به دلیل غلبه رویکرد عقلایی گرای در نظام برنامه‌ریزی ایران جایگاه توانمندسازی ساکنان روستایی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها کشور مورد توجه قرار نگرفته است. در پژوهش حاضر که به شیوه اسنادی و پیمایشی انجام شده، هدف بررسی تاثیر نوع برنامه‌ریزی در توانمندسازی روستاییان و در نهایت اثر آن در توسعه اجتماعی - فرهنگی پایدار سکونتگاه‌های روستایی است. جامعه آماری این تحقیق سکونتگاه روستایی دارای سکنه بخش مرکزی پیرامون شهرستان همدان است. از کل ۱۰۷ روستای دارای سکنه شهرستان همدان ۵۰ سکونتگاه به صورت تصادفی انتخاب شدند. انتخاب سکونتگاه‌های روستایی با استفاده از نمونه‌گیری ترکیبی تصادفی شامل نمونه‌گیری نسبی یا طبقه‌ای بوده است. حجم نمونه انتخاب شده برابر با ۳۸۲ خانوار به صورت تصادفی است. جهت

فصلنامه علمی

مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۱۲۹۴-۲۸۲۱
<http://journalspsych.com>
دوره ۲ | شماره ۳ | صص ۷۴-۹۵
تابستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(ملکی و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

ملکی، هوشنگ، رجبی، آزیتا، و ارمغان، سیمین. (۱۴۰۲). واکاوی نقش توانمندسازی متاثر از رویکرد برنامه‌ریزی در توسعه اجتماعی - فرهنگی پایدار سکونتگاه‌های روستایی بخش مرکزی شهرستان همدان. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، ۲(۳): ۷۴-۹۵.

تجزیه و تحلیل اطلاعات علاوه بر فنون توصیفی از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون چند متغیره برای سنجش رابطه و اثرگذاری بین متغیرهای پژوهش استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان داد از تعداد ۱۴ شاخص مورد بررسی تعداد ۷ شاخص (آموزش و اطلاع رسانی، نوع و نحوه مشارکت، سرمایه اجتماعی، بهبود سطح زندگی افراد، خود تعین، اعتماد و اطمینان و شفاف سازی) از نظر کارشناسان و پاسخگویان روستایی در ارتباط با مؤلفه توسعه اجتماعی- فرهنگی روستاهای مورد مطالعه، رابطه همبستگی معنی‌داری دارند. در واقع نتایج بدست آمده از آزمون پیرسون نشان دهنده وجود رابطه بین رویکرد برنامه‌ریزی با توانمندسازی و توسعه اجتماعی - فرهنگی پایدار روستاهای ناحیه مورد مطالعه است.

کلیدواژه‌ها: توانمندسازی، توسعه اجتماعی-فرهنگی، شهرستان همدان،

عقلانیت ابزاری.

مقدمه و بیان مسئله

علیرغم اینکه بیش از شصت سال از وارد شدن نظام مدون برنامه‌ریزی به ایران می‌گذرد (شفیع زادگان و شفیع، ۲۰۱۳: ۲۸۲) اما رویکرد غالب در برنامه‌ریزی‌ها، عقلایی‌گرایی می‌باشد، که طی دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ از طرف اندیشمندان مکتب انتقادی فرانکفورت به ویژه یورگن هابرماس مورد انتقاد جدی قرار گرفت. یورگن هابرماس با ارائه نظریه ارتباطی تصریح کرد که اساس برنامه‌ریزی موثر و موفق بر شیوه‌های ارتباطی مبتنی است (افتخار و بهزادنسب، ۲۰۰۱: ۱۴) و برای دستیابی به این شیوه بایستی به جای عقلانیت ابزاری از رویکردهای ارتباطی در جهت تحقق اهداف توسعه پایدار روستایی و به ویژه توسعه اجتماعی و فرهنگی پایدار بهره گرفت که در آن ذینفعان و عاملان تاثیر پذیر در توسعه اجتماعی - فرهنگی پایدار نقش اصلی را در فرایند برنامه‌ریزی بر عهده گیرند. اما با توجه به اینکه الگوی برنامه‌ریزی توسعه، متناسب با ارزشها، هنجارها و ویژگی نظام اجتماعی اقتصادی و سیاسی هر جامعه‌ای طراحی می‌شود (مک‌دانوگ، ۲۰۰۹: ۳). لذا برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی به ویژه توسعه اجتماعی و فرهنگی پایدار توجه به مقوله برنامه‌ریزی بهینه متناسب با ویژگی‌های جامعه محلی بایستی در دستور کار قرار گیرد (سواگمیکرز و گارسیا، ۲۰۱۵: ۲۷-۲۸). از طرفی لازمه مشارکت و حضور افراد روستایی در اجرای برنامه‌های توسعه جامعه محلی توانمندسازی آنان می‌باشد که این مهم نیز جز با بکارگیری برنامه‌ریزی‌های بهینه و مطلوب میسر نخواهد شد (سواری و اسکندری، ۲۰۱۸).

در واقع برای هدایت برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی به سمت توسعه اجتماعی - فرهنگی پایدار توجه به مقوله توانمندسازی، ظرفیت‌سازی، توسعه ظرفیتی و مشارکت ساکنان کانون‌های جمعیتی در فرایند برنامه‌ریزی از مهم‌ترین مقوله‌هایی است که مورد توجه ویژه قرار گرفته است (آموندسن و مارتینسن، ۲۰۱۵: ۳۰۶). لیکن به دلیل غلبه رویکرد عقلایی در برنامه‌ریزی‌های کشور، برنامه‌ریزی بهینه مبتنی بر رویکرد مشارکتی و ارتباطی متناسب با نواحی روستایی مورد کم توجهی قرار گرفته و علاوه بر اینکه فرآیند آموزش و آگاهی‌بخشی، نهادسازی، شفاف‌سازی، اعتماد و اطمینان، همدلی، پاسخگویی، ظرفیت‌سازی، توانمندسازی، احساس تعلق، مسئولیت‌پذیری و شراکت گروه‌های روستایی و شهری را در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه با چالش جدی مواجه می‌سازد (آموندسن و مارتینسن، ۲۰۱۵: ۳۰۶؛ شفیع ثابت و هراتی فرد، ۲۰۱۴: ۹؛ آمدام، ۲۰۰۵). کم رنگ شدن اثرات معیارهای توانمندسازی روستاییان از قبیل حق تعیین سرنوشت^۱ (برقی و همکاران، ۲۰۱۰: ۶۸)، شایستگی^۲ (هنسر و جورج، ۲۰۰۵: ۳-۵) تاثیر (ناموونگ و باکونگویس، ۲۰۱۰: ۱۰۸-۱۱۶) و در

¹ Self- determination

² Competence

نهایت اعتماد^۱ (شجاعی، ۲۰۰۰: ۳۲؛ فرناندز و مولدوگازویو، ۲۰۱۵: ۳۷۷-۳۷۶) را نیز در پی خواهد داشت. به سخن دیگر کم توجهی به برنامه‌ریزی روستایی با رویکرد ارتباطی آنچنان که «اسکات» مطرح می‌کند: به جهت تمرکز شدید امکانات و خدمات در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها، قطعاً باعث به حاشیه راندن روستاها خواهد شد بنابراین اقدامات دولت‌ها به گونه‌ای باید باشد که بین شهرها به عنوان مراکز قطب و روستاها به مثابه محیط‌های طبیعی، به‌رغم پیوستگی آن‌ها به هم در برنامه‌ریزی‌های توسعه، عدم یکپارچگی دیده نشود (اسکات، ۲۰۱۳). با توجه به اهمیت توانمندسازی و مشارکت روستاییان در روستاهای مورد مطالعه و نیز ضرورت توسعه اجتماعی- فرهنگی آنان ایجاب می‌کند که برنامه‌ریزی بهینه ارتباطی در جهت توانمندسازی و رسیدن به اهداف توسعه اجتماعی- فرهنگی پایدار مورد توجه گیرد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر واکاوی نقش توانمندسازی متاثر از رویکرد برنامه‌ریزی در توسعه اجتماعی- فرهنگی پایدار سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهر همدان با پاسخگویی به این پرسش است: که با توجه به رویکرد فعلی برنامه‌ریزی، توانمندسازی چه اثراتی در توسعه اجتماعی- فرهنگی پایدار سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهر همدان دارد؟

مبانی نظری تحقیق و پیشنهاد تحقیق

برنامه‌ریزی ارتباطی - مشارکتی بهینه که یکی از نظریه‌های مطرح از دهه ۱۹۹۰ به این سو قلمداد می‌شود بر آن است تا با فاصله گرفتن از رویکردهای خردگرایانه و فردباورانه دهه‌های پیشین روزنه‌ای باشد به سوی رویکردهای اجتماع محور که از فرایندهای پایین به بالا با تأکید بر مقیاس محلی در برنامه‌ریزی استفاده می‌شود حرکت کند. نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی بر پایه اندیشه‌های اندیشمندانی قرار دارد که ضمن انتقاد از برنامه‌ریزی خردگرا (برنامه‌ریزی عقلانی از بالا به پایین) بر رویکرد ارتباطی تأکید می‌نمایند (عبدی دانشپور، ۲۰۰۸: ۴۴۶). نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی، برنامه‌ریزی را شامل فعالیت‌هایی می‌داند که بخش دولتی، خصوصی و عمومی برای بهبود زندگی مردم و توانمندسازی آنان انجام می‌دهند (آلمندینگر و تویدیر جونز، ۲۰۰۲: ۵). پس به منظور توانمندسازی جامعه محلی نیاز به برنامه‌ریزی به عنوان فرآیندی پویا با رویکرد ارتباطی و مشارکتی (حسنلو و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۶۱). احساس می‌شود تا ساختارهایی را که باعث شده روستاییان در حاشیه نگه داشته شوند دگرگون ساخته (اوگبومه، ۲۰۰۱: ۲۹۰) و با اعطای قدرت به افراد جامعه روستایی موجب بسیج انگیزه‌های درونی آنان شده و توسعه اجتماعی - فرهنگی پایدار را شتاب بخشد (حیدری ساربان، ۲۰۱۳: ۱۰۹). بر اساس مقوله توسعه پایدار و رویکرد ارتباطی در برنامه‌ریزی، مفهوم «توانمندسازی»

¹ Confidence

با دو رویکرد بررسی شده است الف) «رویکرد انگیزشی توانمندسازی»^۱؛ در این رویکرد، هدف تواناسازی و تقویت خودباوری می‌باشد؛ ب) «رویکرد شناختی»^۲؛ این رویکرد، توانمندسازی را به طور وسیع تر به مثابه یک حالت انگیزش درونی در ارتباط با شغل تعریف می‌کند، که پنج احساس درونی را شامل می‌شود: ۱- معنی داربودن^۳ ۲- شایستگی^۴ ۳- اثرگذاری^۵ ۴- حق تعیین سرنوشت^۶ و ۵- اعتماد^۷ است (خوزه و مامپیلی، ۲۰۱۴: ۹۹؛ فرناندز و مولدوگازيو، ۲۰۱۵: ۳۸۱؛ شفيعی ثابت و میرواحدی، ۲۰۱۷: ۸۹). به عبارت دیگر برنامه‌ریزی با رویکرد ارتباطی - مشارکتی سبب افزایش توان اجتماعات روستایی در مسئولیت پذیری، پاسخگویی به نیازهایشان، آزادی انتخاب، افزایش اقتدار و اعمال کنترل بیشتر بر منابع و تصمیماتی که زندگی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد شده و مشارکت مردم در جریان توسعه پایدار را بیش از پیش می‌کند (عظیمی آملی و افتخاری، ۲۰۱۳: ۲۴؛ تالشی و همکاران، ۲۰۱۶: ۵۸۶؛ رضایی، ۲۰۰۳: ۵۹). برنامه‌ریزی ارتباطی در کنار مدیریت روستایی صحیح با توانمند سازی روستاییان و گسترش قابلیت‌های انسانی و تبدیل سرمایه‌های انسانی به سرمایه اجتماعی، زمینه لازم را برای فرایند توسعه اجتماعی - فرهنگی پایدار در محیط جامعه محلی را فراهم کرده و ضمن تحقق اهداف توسعه پایدار به منظور بهبود کیفیت زندگی برای همه افراد (ایوبودا، ۲۰۰۹: ۳) و موجب تغییرات در اهداف، ارزش‌های کاری و فعالیت در مناطق روستایی نیز می‌شود (ریاحی، ۲۰۱۳: ۱۱۴).

جدول شماره ۱ برخی از تفاوت‌های این دو رویکرد غالب را بیان می‌نماید.

جدول ۱: مقایسه دو رویکرد غالب برنامه‌ریزی در قرن بیستم (رفیعیان و معروفی، ۲۰۱۸)

الگوی خردگرا یا مدل برنامه‌ریزی از بالا به پایین	الگوی کثرت گرا یا مدل برنامه‌ریزی از پایین به بالا (گرایشات مرسوم در نیمه دوم قرن بیستم)
(شیوه مسلط در نیمه اول قرن بیستم)	منابع اجتماعی: طبقه فرمانروا یا نخبگان مسلط
منابع اجتماعی: طبقه فرمانروا یا نخبگان مسلط	منابع اجتماعی:، آحاد مردم در قالب گروه‌های مردمی به عنوان صاحبان منابع سیاسی - اجتماعی فرهنگی جامعه
رسانه ها، ساختار انحصاری و همسان شده	رسانه ها، بسیار زیاد و مستقل

^۱ Motivational Approach To Empowerment

^۲ Cognitive Approach To Empowerment

^۳ Meaning

^۴ Competence

^۵ Impact

^۶ Self- Determination

^۷ Confidence

ایدئولوژی، متنوع با دیدگاه‌های رقابتی و خواست عمومی	ایدئولوژی، گزینشی و منسجم و تعیین شده از بالا
نظم اجتماعی غیرقابل پیش بینی	نظم اجتماعی مستتر
هویت خرده ملی	هویت ملی (یکپارچه سازی و یگانگی)
توزیع درآمد و عدالت اجتماعی	رشد اقتصادی (افزایش در آمد ملی)
مشارکت سیاسی	جامعه پذیری سیاسی
احترام به حقوق عمومی مصرف کنندگان	احترام به حقوق مالکیت و تجارت
گسترش فرصت‌های آموزشی و حرفه ای	عدم گسترش آموزشهای حرفه‌ای
دسترسی به اطلاعات	حاکمیت و کنترل اطلاعات
حقوق اقلیت	قاعده اکثریت
استقلال منطقه‌ای و محلی	کنترل مرکزی
خلافت فرهنگی و گاهی تضاد	هدایت فرهنگی و گاهی سانسور
توجه اجتماعی برنامه از طریق مذاکره و مباحثه	توجه علمی برنامه توسط متخصصان
توجه به فرایند در عمل برنامه‌ریزی	توجه به نتیجه در عمل برنامه‌ریزی
تصمیم‌گیری از پایین به بالا	تصمیم‌گیری سلسله مراتبی و از بالا به پایین
مردم به عنوان مشارکت کنندگان در فرایند برنامه‌ریزی	مردم به عنوان منبع اطلاعات

در ایران هنوز مطابق روال قبل از دهه ۱۹۸۰ میلادی رویکرد غالب، برنامه‌ریزی مبتنی بر عقلایی‌گرایی با روش فنی-ابزاری است؛ که به طور عمده با اتکا بر دانش فنی برنامه‌ریزان، ابزار و روش‌های علمی بوده و در مواردی در حد چانه زنی ذینفعان تقلیل یافته است.

همچنین بررسی‌ها نشان داد، اتخاذ رویکرد عقلایی‌گرایی در برنامه‌ریزی به دلیل «تخصص محوری» و «خصیصه غیر مشارکتی» در مقابل رویکرد ارتباطی که دارای ویژگی‌هایی نظیر مشارکتی، احترام به خواسته مردم، عدالت اجتماعی و می‌باشد با ناکامی‌ها و ضعف‌های زیادی روبه رو بوده؛ که در شرایط کنونی اتخاذ رویکرد بهینه ارتباطی از ضرورت‌های مهم فرآیند برنامه‌ریزی توسعه روستایی کشور محسوب شده (بهزاد نسب و افتخاری، ۲۰۱۳: ۱).

و برای بکارگیری این نوع رویکرد (ارتباطی) مستلزم تغییرات کلان و وجود برنامه‌ریزانی است که دانش، آگاهی، توانایی و مهارت‌های لازم برای اعمال این تغییرات را کسب کرده باشند (رفیعیان و معروفی، ۲۰۱۸: ۱۱۷).

در همین راستا در زمینه جایگاه و نقش برنامه‌ریزی به منظور توانمند سازی روستاییان و اثرات آن بر توسعه اجتماعی - فرهنگی پایدار سکونتگاه‌های روستایی مطالعات متعددی صورت گرفته است؛ که به طور خلاصه به چند مورد از مهمترین پژوهش‌های صورت گرفته اشاره می‌شود (جدول شماره ۲).

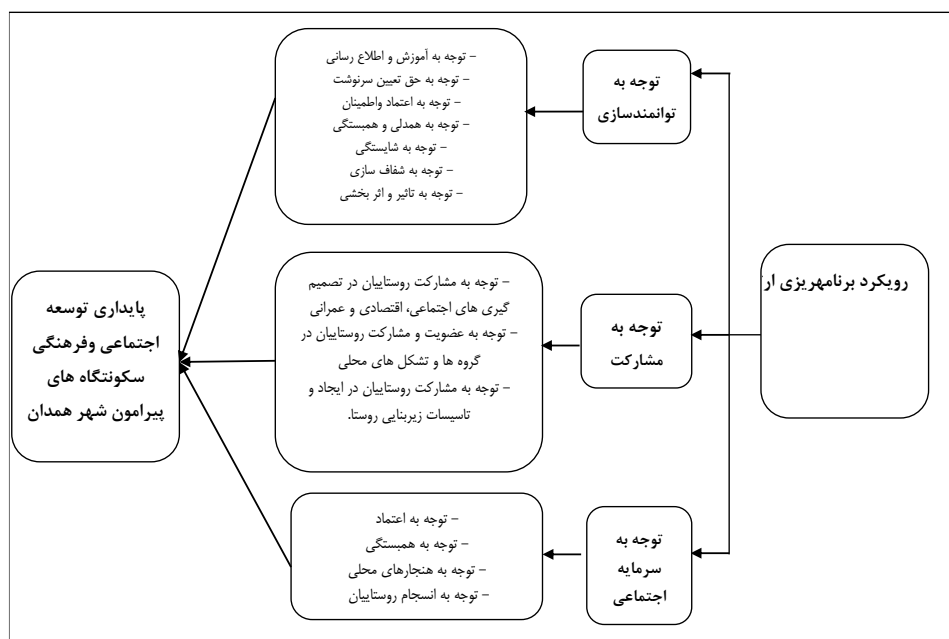
جدول ۲: خلاصه مطالعات انجام شده در زمینه موضوع مورد تحقیق

عنوان پژوهش	نتایج پژوهش	پژوهشگران
Participatory Approaches To National Development Planning	رویکرد مشارکتی در فرایند برنامه‌ریزی توسعه موجب مشارکت گسترده‌تر و تعامل ذی‌نفعان کلیدی، شفاف‌سازی عمومی و پاسخگویی سازمان‌ها و نهادها می‌شود	ریچاد و همکاران (۲۰۱۴)
Increasing levels of public participation in planning	نقش مشارکت عمومی به‌عنوان یک مؤلفه کلیدی در عرصه برنامه‌ریزی در دستیابی به توسعه بسیار مورد تأکید بوده است. دسترسی به فناوری اطلاعات و شبکه‌های اجتماعی تضمین کننده تحقق اشکال جدید فرآیندهای مشارکت و دستیابی به توسعه است.	تویچ و آدامز (۲۰۱۱)
Capacity Building For Participatory Planning And Budgeting In Africa: Initiatives And Strategic Perspectives	در سطح محلی تأکید بر رویکرد برنامه‌ریزی از پایین به بالا و مشارکتی مناسب می‌باشد و از طریق اقدام مشارکتی است که سنت‌های دموکراتیک می‌تواند بر پایداری جوامع منجر شود.	ماتوو (۲۰۰۶)
تغییرساختار-کارکردی سکونتگاه‌های روستایی حاشیه شهر مشهد	یکی از کمبودهای مهم برنامه‌های روستایی و منطقه‌ای در ایران، نداشتن برنامه منظم و کاملی برای لبه‌ها و حواشی اطراف شهرها بوده است. بطوریکه طبیعت زنده در مقابل توسعه شتابان کالبدی شهرها به ویژه کلانشهرها عقب نشینی می‌کند.	اخگری و همکاران (۲۰۱۵)
تحلیل و تعیین فرایند مطلوب انجام برنامه‌ریزی توسعه روستایی در کشور بر اساس رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی	درجه مطلوبیت تناسب و سازگاری برنامه‌ریزی توسعه روستایی، ارتباط نزدیکی با روش حاکم بر چگونگی عمل برنامه‌ریزی دارد. هرچه میزان درک متقابل و همراهی کنشگران اصلی، یعنی مردم محلی، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی در مرحله برنامه‌ریزی بیشتر باشد، تصمیمات برای توسعه روستا از سازگاری، پذیرش و اثربخشی بیشتری برخوردار خواهد شد و این امر بستگی به رویکرد اتخاذ شده در روش برنامه‌ریزی دارد	بهزاد نسب (۲۰۱۷)
کاستی‌های نظری برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران	در برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران درک و فهم مشترکی از این نوع توسعه شکل نگرفته و این‌گونه برنامه‌ریزی، از جنبه‌های فکری و معرفتی فاقد انسجام لازم است و گویا هنوز این نظریه پشتوانه‌های معرفتی و غنای لازم را برای کمک به توسعه روستایی مناسب و پایدار نیافته است	زاهدی و غفاری (۲۰۰۱)

همچنین درجه مطلوبیت برنامه‌ریزی توسعه روستایی، ارتباط نزدیکی با روش حاکم بر چگونگی عمل برنامه‌ریزی دارد. هرچه میزان درک متقابل و همراهی مردم محلی، برنامه‌ریزان، سیاستگذاران

و مدیران اجرایی در مرحله ی برنامه‌ریزی بیشتر باشد، تصمیمات برای توسعه روستا از سازگاری، پذیرش و اثربخشی بیشتری برخوردار خواهد شد و این امر بستگی به رویکرد اتخاذ شده در روش برنامه‌ریزی دارد (بهزاد نسب، ۲۰۱۷)؛ از آنجا که سناریو موجود برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران کم توجهی به توانمندسازی، ومولفه‌های آن از قبیل: آموزش و اطلاع رسانی،- حق تعیین سرنوشت، اعتماد واطمینان، همدلی و همبستگی، شایستگی، شفاف سازی و تاثیر و اثر بخشی در کنار کم توجهی به مولفه‌های مشارکت و سرمایه است لذا ناپایداری سکونتگاه‌ها به ویژه ناپایداری اجتماعی و فرهنگی را در پی داشته است (تصویر شماره ۱) به هر حال پژوهش حاضر سعی دارد با یافته هایش در کنار سایر پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه ابعاد نوینی از موضوع مسئله را درارتباط با رویکردهای برنامه‌ریزی، توانمندسازی و توسعه اجتماعی - فرهنگی پایدار سکونتگاه‌های روستایی آشکار ساخته و زمینه لازم برای ضرورت به کارگیری هرچه بیشتر برنامه‌ریزی بهینه ومطلوب را فراهم سازد.

با توجه به پیشینه تحقیق و همچنین واکاوی ادبیات موضوع، شاخص‌های مورد تأکید توانمند سازی متاثر از رویکرد حاکم در نظام برنامه‌ریزی روستایی بر توسعه اجتماعی - فرهنگی پایدار در ناحیه مورد مطالعه از ترکیب شش شاخص و ۲۳ گویه مربوط به توانمندی روستاییان (جدول ۳) ونیز پنج شاخص و همچنین ۳۱ گویه آموزش واطلاع رسانی، سرمایه اجتماعی، بهبود سطح زندگی، بهبود مشارکت و وضعیت فیزیکی روستا برای سنجش توسعه اجتماعی - فرهنگی پایدار می‌باشد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش حاصل از سناریوها

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی - توسعه‌ای و از لحاظ ماهیت تحقیق حاضر از نوع کیفی و از نظر روش جمع‌آوری اطلاعات از نوع تحقیقات کتابخانه‌ای - اسنادی و میدانی (پیمایشی) می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای اسناد در دسترس و با بهره‌گیری از مقاله‌های علمی، کتاب‌ها، گزارش‌ها و اطلاعات موجود در سازمان‌ها و نهادهای دولتی صورت گرفته است. و از نظر روش پیمایشی از پرسشنامه مبتنی بر تکنیک «مصاحبه گروهی» در سطح مدیران و کارشناسان خبره سازمان‌ها و نهادهای مرتبط از جمله، سازمان جهاد کشاورزی استان همدان، بنیاد مسکن همدان استفاده شده است به طوری که برای دستیابی به اهداف و آزمون فرضیه‌های تحقیق در مرحله‌ی نخست. برای این منظور تعداد ۵۰ پرسشنامه در ابعاد گوناگون موضوع پژوهش و با استفاده از سؤالات کیفی و باز نظرات افراد خبره و همچنین پرسشنامه کمی واکاوی گردید. در واقع، بعد از واری و واکاوی دقیق نظرات مسئولین محلی و متخصصان سازمان‌های مربوطه، بر اساس نظر آن‌ها گویه‌ها و سنجه‌های پرسشنامه‌ی کمی برای سطح تحلیل روستا تنظیم و تدوین شد. از ۱۸۳۶۴ خانوار بخش مرکزی شهرستان همدان تعداد ۳۸۲ خانوار از طریق فرمول کوکران و براساس نمونه-گیری تصادفی ساده، برای انجام تحقیق انتخاب شدند. و جهت پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق، پرسشنامه‌هایی در ارتباط با شاخص‌ها، گویه‌ها و سنجه‌های مؤلفه اثرگذار (متغیر مستقل، توانمندسازی ناشی از رویکرد برنامه‌ریزی) و مؤلفه اثرپذیر (متغیر وابسته، توسعه اجتماعی - فرهنگی) طراحی و توزیع گردید. از کل پرسشنامه توزیع شده در بین پاسخگویان روستاهای مورد مطالعه، میزان ۸ درصد در دهستان ابرو، در دهستانهای الوند کوه غربی، چاه دشت و سنگستان به میزان ۱۲ درصد، در دهستانهای الوند کوه شرقی، گنبد و هگمتانه ۶ درصد، در دهستان جیحون دشت ۲۰ درصد و در دهستان شور دشت ۱۸ درصد بوده است. لازم به ذکر است که توزیع این میزان پرسشنامه در بین روستاهای مورد بررسی با استفاده از روش نسبت به اندازه (PPS)^۱ تعیین گردیده است.

در بخش اول پرسشنامه به مشخصات فردی جنس، سن، پست، مدرک تحصیلی و... بخش دوم بدنه سؤالات که به صورت پاسخ بسته و با استفاده از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم شد و بخش سوم یک الی سه سؤال پاسخ باز در ارتباط با ارائه نظرات و پیشنهادات استفاده گردید. همچنین پایایی ابزار گردآوری داده‌ها برای مؤلفه اثرگذار توانمندسازی با استفاده از آلفای کرونباخ برای هر یک از شاخص‌های حق تعیین سرنوشت، اعتماد و اطمینان، همدلی و پاسخگویی، شایستگی،

^۱ Probability Proportional to size

شفاف سازی و تاثیر و اثربخشی به ترتیب ۰/۶۸۹، ۰/۷۴۲، ۰/۷۳۵، ۰/۶۵۸، ۰/۸۳۳، و ۰/۷۱۵ به دست آمد. همچنین پایایی ابزار گردآوری داده‌ها برای مؤلفه اثرپذیر توسعه اجتماعی - فرهنگی پایدار سکونتگاه‌های روستایی با استفاده از آلفای کرونباخ برای هریک از شاخص‌های آموزش و اطلاع رسانی، سرمایه اجتماعی، بهبود سطح زندگی، بهبود مشارکت و وضعیت فیزیکی روستا ۰/۷۲۲، ۰/۶۸۹، ۰/۶۴۵، ۰/۶۳۱ بدست آمده است (جدول ۴)

جدول ۳: شاخص‌ها و مولفه‌های تحقیق در زمینه توانمندسازی روستاییان (متغیر اثرگذار)

ابعاد	شاخص	گویه	پایایی
توانمند سازی	حق تعیین سرنوشت	تفویض اختیار- حضور داوطلبانه روستاییان در اجرای پروژه‌ها- تشکیل و ایجاد نهادهای مختلف در روستا- عضویت روستاییان در گروه‌ها و نهادهای مردمی	۰/۶۸۹
	روستاییان	اعتماد و اطمینان	۰/۷۴۲
شفاف سازی	همدلی و پاسخگویی	همکاری و صمیمیت بین نهادهای تصمیم گیرنده - همدلی و دلسوزی مسئولین و مدیران با مردم- دلسوزی و همدلی ساکنین روستا با یکدیگر	۰/۷۳۵
	شایستگی	استفاده از تجارب افراد بومی در حل مسائل- انتخاب و انتصاب افراد بومی توانمند	۰/۶۵۸
	شفاف سازی	شفافیت در تصمیم‌گیری‌های نهادهای مسئول- شفافیت در هزینه کرد اعتبارات تخصیص یافته- تهیه و ارائه گزارش از روند اجرای پروژه‌ها -	۰/۸۳۳
اثربخشی	تاثیر و اثربخشی	تاثیر برنامه‌های اجرا شده در میزان مشارکت روستاییان- اثرگذاری برنامه‌های اجرا شده در تنوع اقتصادی - اثرگذاری برنامه‌های اجرا شده در افزایش سرمایه‌گذاری	۰/۷۱۵

جدول ۴: شاخص‌ها و مولفه‌های تحقیق در زمینه توسعه اجتماعی - فرهنگی (متغیر اثرپذیر)

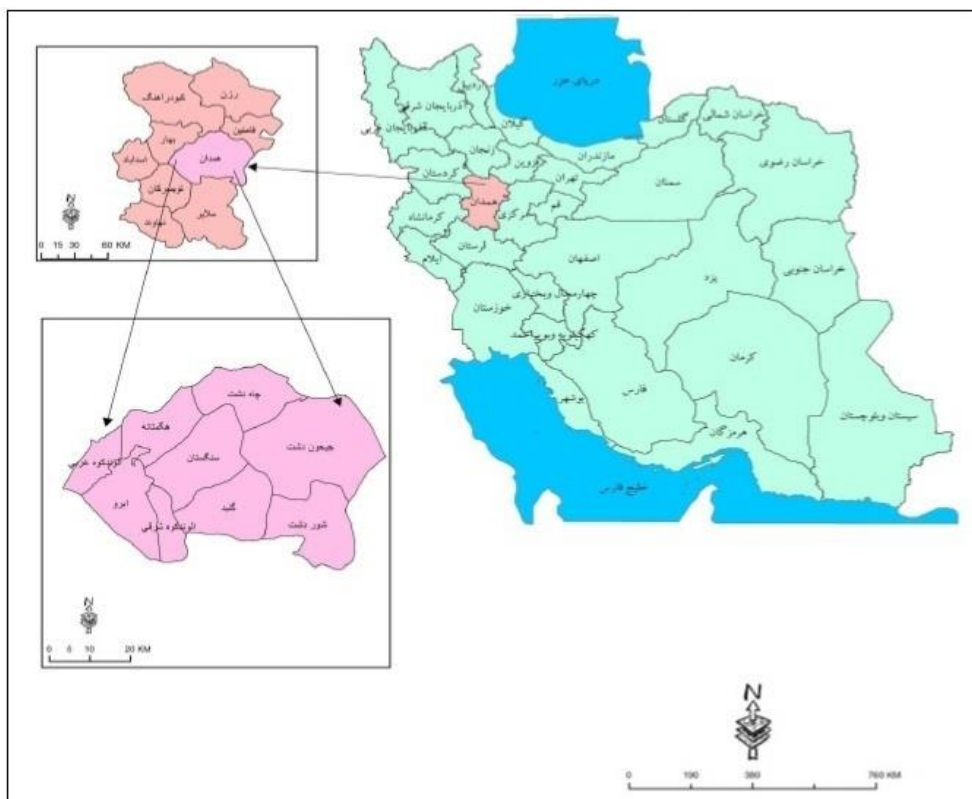
ابعاد	شاخص	گویه	پایایی
توسعه اجتماعی- فرهنگی	آموزش و اطلاع رسانی	میزان مهارت خانوارهای روستایی- دسترسی و اطلاع از فرصتهای آموزشی- ارتباط دوره‌های آموزشی با فعالیتهای محلی- اطلاع رسانی نهادهای مسئول- توانایی روبه رو شدن با مسائل با مسائل مختلف روستا- میزان افزایش بهره وری عوامل تولید- آگاهی از تصمیم‌گیری نهادهای مسئول- برگزاره‌های دوره‌های آموزشی توسط نهادهای متولی- شده در جهت ارتقای توانمندی	۰/۷۴۴

۰/۷۲۲	میزان تعامل افراد - مشارکت در برگزاری مراسمها - پایبندی به آداب و رسوم - وجود روابط صمیمانه بین افراد- وجود روحیه تعاون و همکاری - همفکری در حل مسائل ومشکلات - انجام فعالیت بدون دریافت مزد- اعتماد افراد به همدیگر- عضویت در نهادهای مالی- عضویت در نهادهای غیرمالی	سرمایه اجتماعی
۰/۶۸۹	بهبود و گسترش فضاهای آموزشی- ماندگاری و تمایل به ماندن در روستا- میزان افزایش سطح تحصیلات - بهبود و افزایش مصرف مواد غذایی پروتئینی در برنامه غذایی- افزایش و بهبود تعامل و مشارکت روستائیان.	سطح زندگی
۰/۶۴۵	مشارکت در تصمیم گیری های اجتماعی، اقتصادی و عمرانی- عضویت و مشارکت در گروه ها و تشکل های محلی - تمایل و انگیزه جهت مشارکت و فعالیت در کارهای جمعی و گروهی - مشارکت در جلسات شورا و اجتماعات محلی- همکاری و مشارکت ساکنین روستا با یکدیگر در فعالیتهای مختلف- تاثیر آموزش های داده شده در جهت ارتقای مشارکت- مشارکت در ایجاد و تاسیسات زیربنایی روستا.	مشارکت
۰/۶۳۱	دسترسی به شبکه های ارتباطی- وضعیت زیرساختهای ارتباطی- وجود وسایل حمل و نقل- وضعیت زیرساختهای حیاتی - کیفیت مسکن - زیرساخت های آموزشی	وضعیت فیزیکی و کالبدی روستا

محدوده مورد مطالعه

قلمرو مکانی این تحقیق، روستاهای واقع در پیرامون شهر همدان می باشد. شهرستان همدان در گستره‌ای به مساحت ۲۸۳۱ کیلومتر مربع، معادل ۲۱ درصد از مساحت استان واقع شده است. بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبان ماه سال ۱۳۹۵ و بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، این شهرستان مشتمل بر دو بخش (مرکزی و شرق)، ۴ شهر (همدان، مریانج، قهاوند و جورقان)، ۹ دهستان و ۱۲۶ روستا می باشد که با ۶۷۶۱۰۵ نفر جمعیت ۳۷ درصد جمعیت استان را به خود اختصاص داده است (نقشه ۱). همچنین روستاهای پیرامون شهر همدان از جمله مهم ترین کانون های استقرار جمعیت های مهاجر از روستاها و حتی شهرهای کوچک به شمار می آید؛ این روستاها به دلیل برخورداری از امتیاز مجاورت و همزیستی با شهر همدان به ویژه در ابعاد فرصت های شغلی و بهره مندی از خدمات و زیرساخت ها از مزیت ارزانی شرایط زندگی و به خصوص اجاره مسکن و یا حتی خرید زمین یا مسکن بهره مند بوده و طبعاً زمینه ساز رشد بی رویه جمعیت در این گونه از روستاها می شود. این افزایش جمعیت غیرطبیعی روستاهای پیرامون کلان شهر همدان ناشی از

مهاجرت بی‌رویه شهرستان‌ها که رشد شهرها و روستاها را به بهای از دست رفتن زمین‌های ارزشمند کشاورزی و ایجاد تنگنای خدمات‌رسانی را به همراه داشته و در ساختار فضایی سکونتگاه‌ها بی‌تعادلی و بی‌هنجاری ایجاد کرده است، همچنین افزایش و کاهش جمعیت نقاط روستایی واقع در پیرامون شهر همدان و در ناحیه مورد مطالعه متأثر از نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌های تمرکزگرایانه سکونتگاهی موجب شده که جمعیت به‌رغم اینکه رشد متعادلی داشته باشد دچار نوسان شود.



شکل ۲. موقعیت سیاسی استان و شهرستان همدان مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان همدان

یافته‌ها

بر اساس اطلاعات بدست آمده بیشترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی ۲۵ تا ۳۵ سال قرار دارند معادل ۵۷/۶ درصد که نتایج آن در جدول شماره ۵ ارائه گردیده است.

جدول ۵: ویژگی‌های فردی و اجتماعی و سطح سواد پاسخگویان

شرح	درصد	شرح	درصد
جنسیت	مرد	سن	۵۳,۲
	زن		۴۶,۸
تاهل	مجرد		۳۴,۶
	متاهل		۵۷,۶
	ازدواج کرده فاقد همسر		۷,۹
تحصیلات	ابتدایی		۲,۹
	راهنمایی	شغل	۱۱,۸
	دیپلم	آزاد	۸,۴
	کاردانی و کارشناسی	کشاورز	۴۴
	کارشناسی ارشد و بالاتر	دامدار	۲۸,۳
		سایر موارد	۷,۳

اما در رابطه با دیدگاه روستاییان در زمینه اثرات رویکرد برنامه‌ریزی فعلی بفرایند توانمندسازی و توسعه اجتماعی - فرهنگی در روستاهای مورد مطالعه، شاخص اعتماد و اطمینان با میانگین ۲/۴۱ درصد در میان افراد در بهترین وضعیت قرار دارد (جدول ۶).

جدول ۶. میانگین، واریانس و انحراف معیار وضعیت شاخص‌های توسعه اجتماعی - فرهنگی از دیدگاه پاسخگویان

شاخص	میانگین	واریانس	انحراف معیار
امنیت اجتماعی در روستا	۲/۲۴	۰/۷۴۶	۰/۷۸۶
وجود نهادهای متولی آموزش و آگاهی بخشی روستاییان	۲/۳۱	۰/۳۱۵	۰/۵۴۲
تغییر سطح زندگی روستاییان	۲/۲۲	۰/۲۲۱	۰/۴۶۷
اعتماد و اطمینان در میان افراد روستایی	۲/۴۱	۰/۳۲۱	۰/۵۶۷
ویژگیهای فردی و گروهی افراد روستایی	۲/۳۰	۰/۴۷۷	۰/۶۹۰
همکاری و همکاری در میان روستاییان	۲/۳۵	۰/۴۵۹	۰/۶۷۷
آگاهی و آشنایی روستاییان و مسئولین از امور مربوط به روستا	۲/۳۰	۰/۴۷۷	۰/۶۹۰
مشارکت میان روستاییان با مسئولین	۲/۳۷	۰/۳۵۱	۰/۵۹۲
وضعیت فیزیکی و بافت کالبدی روستا	۲/۱۱	۰/۴۲۶	۰/۵۱۳

جدول ۷: رابطه بین شاخص‌های اثرگذار بر توانمندسازی در ناحیه مورد مطالعه

ردیف	شاخص‌های اثرگذار	مؤلفه اثرپذیر	Pearson Test از دیدگاه روستاییان		Pearson Test از دیدگاه کارشناسان		وجود رابطه
			سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	
توسعه اجتماعی-فرهنگی-پایداری روستاها و روستاییان	۱ آموزش و اطلاع رسانی	دارد	۰/۰۵	۰/۲۴۵	دارد	۰/۰۵	۰/۲۲۶
	۲ نوع ونحوه مشارکت	دارد	۰/۰۰۱	۰/۴۵۰	دارد	۰/۰۰۱	۰/۴۲۲
	۵ سرمایه اجتماعی	دارد	۰/۰۳	۰/۲۸۸	دارد	۰/۰۴	۰/۲۸۶
	۶ سطح زندگی افراد	دارد	۰/۰۰۱	۰/۴۵۰	دارد	۰/۰۰۱	۰/۴۲۲
	۸ فیزیک و بافت کالبدی روستا	ندارد	۰/۴۳	۰/۶۸۸	ندارد	۰/۸۳	۰/۵۸۷
	۹ حق تعیین سرنوشت	دارد	۰/۰۲۷	۰/۴۲۰	دارد	۰/۰۱۷	۰/۳۵۶
	۱۰ اعتماد و اطمینان	دارد	۰/۰۴۵	۰/۲۷۴	دارد	۰/۰۰۶	۰/۲۴۵
	۱۱ همدلی و پاسخگویی	ندارد	۰/۲۸۵	۰/۳۹۲	ندارد	۰/۲۷۹	۰/۳۷۸
	۱۲ شایستگی	ندارد	۰/۸۷۷	۰/۷۵۸	ندارد	۰/۷۷۹	۰/۶۵۳
	۱۳ شفاف سازی	دارد	۰/۰۴۱	۰/۳۶۳	دارد	۰/۰۴۲	۰/۳۶۵
	۱۴ تاثیر و اثربخشی	ندارد	۰/۴۱۴	۰/۴۷۱	ندارد	۰/۳۱۳	۰/۳۵۷

به منظور تحلیل و بررسی میزان اثرگذاری شاخص‌های توانمندسازی جامعه محلی از نوع و نحوه برنامه‌ریزی و همچنین اثرپذیری توسعه اجتماعی- فرهنگی ناحیه مورد مطالعه از تعداد ۱۴ شاخص مورد بررسی تعداد ۷ شاخص (آموزش و اطلاع رسانی، نوع ونحوه مشارکت، سرمایه اجتماعی، بهبود سطح زندگی افراد، خود تعیینی، اعتماد و اطمینان و شفاف سازی) از نظر کارشناسان و پاسخگویان روستایی در ارتباط با مؤلفه توسعه اجتماعی- فرهنگی روستاهای مورد مطالعه، رابطه همبستگی معنی داری دارند. در واقع نتایج بدست آمده از آزمون پیرسون نشان دهنده وجود رابطه بین رویکرد برنامه‌ریزی با توانمندسازی و توسعه اجتماعی- فرهنگی پایدار روستاهای ناحیه مورد مطالعه می‌باشد (جدول ۷). به علاوه هر چند این آزمون موید وجود رابطه بین برخی شاخص‌های توانمندسازی و توسعه اجتماعی- فرهنگی روستاهای مورد مطالعه نیز هست اما چون میانگین وزنی شاخص‌های مؤلفه‌های اثرگذار و اثرپذیر از حد متوسط پایین تر است لذا میزان ارتقا شاخص‌های توسعه اجتماعی- فرهنگی در وضعیت فیزیکی و بافت کالبدی روستا کم بوده است. اما با ارتقا شاخص‌های مؤلفه

توانمندسازی سطح توسعه اجتماعی - فرهنگی روستاهای مورد مطالعه نیز بهبود پیدا خواهد کرد. وهماهنگونه که برنامه‌ریزی بالا به پایین در توسعه‌نیافتگی سکونتگاه‌ها مؤثر بوده و اثرات منفی در توسعه اجتماعی - فرهنگی، به همراه داشته است به کارگیری رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی و ارتباطی اثرات مثبتی برجای خواهد گذاشت. شاخص‌های وضعیت فیزیکی و بافت کالبدی روستا، همدلی، شایستگی و تاثیر و اثر بخشی به دلیل اینکه رابطه همبستگی آن‌ها معنی دار نشد از مدل رگرسیون حذف گردیدند. بر اساس نتایج به دست آمده میان نوع و نحوه برنامه‌ریزی، توانمندسازی و توسعه اجتماعی - فرهنگی پایدار سکونتگاه‌های روستایی ناحیه مورد مطالعه، به میزان $0/459$ همبستگی وجود دارد. همچنین، ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که حدود $15/2$ درصد تغییرات ابعاد توسعه اجتماعی - فرهنگی پایدار سکونتگاه‌های روستایی از طریق ترکیب خطی شاخص‌های توانمندسازی تبیین شده است (جدول ۸). همچنین، بر اساس مقدار محاسبه شده برای F و سطح معناداری $0/030$ می‌توان گفت که ترکیب خطی شاخص‌های مقوله اثرگذار، قادر به تبیین و پیش بینی تغییرات شاخص‌های مقوله اثرپذیر (توسعه اجتماعی - فرهنگی پایدار) هرچند به صورت خیلی ضعیف شده است.

جدول ۹: معناداری رگرسیون رابطه خطی بین نوع و نحوه برنامه‌ریزی با توسعه اجتماعی -

فرهنگی پایدار ناحیه مورد مطالعه

مؤلفه‌ها	مجموع مربعات	درجه آزادی df	میانگین مربعات	F	سطح معناداری sig
اثر رگرسیونی	۵/۰۴۰	۵	۰/۷۴۱	۲/۴۱۲	۰/۰۳۰
باقیمانده	۱۸/۲۶۶	۴۶	۰/۲۴۵		
کل	۲۳/۳۰۶	۵۱			

متغیر وابسته: توسعه اجتماعی - فرهنگی پایدار

متغیرهای پیش‌بین: آموزش و اطلاع رسانی، نوع و نحوه مشارکت، سرمایه اجتماعی، بهبود سطح زندگی افراد، خود تعیینی، اعتماد و اطمینان و شفاف سازی

با عنایت به اینکه متغیر وابسته در این قسمت، توسعه اجتماعی - فرهنگی پایدار می‌باشد که به نوع و نحوه برنامه‌ریزی و در نتیجه توانمندسازی روستاییان وابسته است و در صورت تغییر آن تغییر خواهد کرد لذا متغیر مستقل دارای شاخص‌های خود می‌باشد. به همین جهت و همچنین قضاوت در مورد سهم و نقش هر یک از این شاخص‌های متغیر مستقل در تبیین متغیر وابسته را باید با مقادیر بتا صورت گیرد زیرا این مقدار استاندارد شده بوده و امکان مقایسه و تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرها را فراهم می‌سازد. در نهایت، بر اساس ضریب استاندارد شده تأثیر شاخص‌های مقوله

اثرگذار بر شاخص‌هاى مقوله اثرپذير، نتايج نشان مى‌دهد به جز در شاخص سرمايه اجتماعى در هيچيك از شاخص‌هاى مولفه اثرگذار معنى دار نشد. به سخن ديگر، توسعه اجتماعى - فرهنگى پايدار سكونتگاه‌هاى روستايى ناحيه مورد مطالعه متاثر از پايين بودن ارتقاء شاخص‌هاى مقوله توانمندسازى است و هيچ يك در تبين توسعه اجتماعى - فرهنگى پايدار روستايى جاىگاه خود را نيافته است. برهمين مبنا رويكرد حاكم بر نظام برنامه‌ريزى توسعه به دليل عملكرد كاملاً متمرکز و كم توجهى به شاخص‌هاى مقوله توانمندسازى و مشاركت ذينفعان محلى توسعه اجتماعى - فرهنگى پايدار؛ در هيچيك از شاخص‌هاى توانمندسازى ذينفعان محلى اقدام اثربخشى انجام نداده است كه باعث ارتقاء اين شاخص‌ها در فرآيند توسعه اجتماعى - فرهنگى روستايى شود. تنها شاخص اثرگذار در اين زمينه سرمايه اجتماعى مى‌باشد (جدول ۱۰).

جدول ۱۰: ضرايب ميزان شدت تاثيرات شاخص‌هاى مولفه اثرگذار و اثرپذير ضرايب

متغيرها	ضريب استاندارد	ضريب غير استاندارد		T	سطح معنى دارى
		B	خطاى استاندارد		
سرمايه اجتماعى	۲۶۹	۰/۱۵۵	خطاى استاندارد	۲/۴۶۳	۰/۰۳۶

بر همين مبنا با توجه به معنى دار نشدن هيچيك از شاخص‌هاى توانمندسازى ذينفعان روستايى، تغيير نگرش در نوع ونحوه برنامه‌ريزى ضرورتى اجتناب ناپذير ميباشد. در واقع، در روستاهاى ناحيه مورد مطالعه اقدامات بسيار محدودى در زمينه ارتقاء شاخص‌هاى توانمندسازى كه بنيان رويكرد ارتباطى بر آن استوار است؛ صورت گرفته است. همچنين رويكرد فعلى برنامه‌ريزى به مقوله توانمندسازى روستاييان كم توجه بوده كه اين مسئله موجب شده تا ارتقاء ابعاد توسعه اجتماعى - فرهنگى پايدار صورت نگیرد؛ بنا بر اين، نياز به يك تغيير رويكرد در برنامه‌ريزى توسعه به سمت رويكردهاى اجتماع محور و تقويت سرمايه اجتماعى باهدف توانمندسازى و ظرفيت سازى و مشاركت مردم در برنامه‌ريزى و اجراى برنامه‌ها احساس مى‌شود. زيرا عدم توجه به مشاركت و توانمند سازى روستاييان در پياده سازى و اجراى برنامه‌ها موجب ضعيف شدن ابعاد توسعه روستاها به ويژه توسعه اجتماعى - فرهنگى پايدار در ناحيه مورد مطالعه گرديده است.

نتيجه‌گيرى

نتايج بدست آمده از اين پژوهش با يافته‌هاى ريجادر و همكاران (۲۰۱۴)، تويچ و آدامز (۲۰۱۱)، ماتوو (۲۰۰۶) و بهزاد نسب (۱۳۸۹) در زمينه بكارگيرى رويكرد برنامه‌ريزى ارتباطى و لزوم توانمندسازى و مشاركت مردم برابرى مى‌كند.

نحوه نگرش به برنامه‌ریزی‌های توسعه و روش‌ها و راهبردهای اتخاذ شده نقشی کلیدی در موفقیت یا عدم موفقیت برنامه‌های توسعه دارد. بسیاری از صاحب نظران دلیل عدم موفقیت در بهبود وضعیت جامعه روستایی و شکست برنامه‌های توسعه در روستاها را به رویکرد و نگرش حاکم بر برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی و راهبردهای اتخاذ شده مربوط می‌دانند.

- روستاهای پیرامون شهر همدان (قاسم آباد، حسن آباد، یکن آباد، شورین، چشمه ملک و...) از جمله مهم‌ترین کانون‌های استقرار جمعیت‌های مهاجر از روستاها و حتی شهرهای کوچک به شمار می‌آید. این روستاها به دلیل برخورداری از امتیاز مجاورت و همزیستی با شهر همدان به‌ویژه در ابعاد فرصت‌های شغلی و بهره‌مندی از خدمات زیرساختی زمینه ساز رشد بی‌رویه جمعیت در این‌گونه از روستاها گردیده است. به همین منظور و جهت مقابله با بحران‌های اجتماعی و اقتصادی، در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای اقداماتی جهت توانمندسازی روستاییان به منظور دستیابی به پایداری اقتصادی در توسعه اجتماعی-فرهنگی پایدار ضروری است.
- در واقع در روستاهای پیرامون شهر همدان هیچ از مولفه‌هایی ذکر شده که زیرمجموعه رویکرد ارتباطی- مشارکتی هستند صورت نگرفته است و روستاییان هیچ مشارکتی در فرآیندها ندارند و اساساً برنامه‌ریزی در شرایط فعلی یک‌سویه، از بالا با تمرکز شدید پیش رفته است.
- از طرفی دیگر نتایج یافته‌های میدانی تحقیق در ۵۰ روستا از روستاهای پیرامون شهر همدان، نشان داد که رویکرد فعلی حاکم بر برنامه‌ریزی به‌گونه‌ای بوده که در ارتباط با شاخص‌های توانمندسازی، ظرفیت‌سازی روستاییان اقدام بهینه‌ای صورت نگرفته است آنچنان که از دیدگاه پاسخگویان روستایی و کارشناسان، میزان شاخص‌های توانمندسازی در سطح پایینی است.
- این در حالی است که بکارگیری و اجرای رویکرد ارتباطی- مشارکتی در برنامه‌ریزی‌های توسعه می‌تواند حاوی منافع و مزایایی برای جامعه مورد عمل خویش باشد. مزایایی نظیر، بکارگیری دانش بومی در کنار دانش روز، ارائه و اتخاذ راه‌حل‌های مشترک در زمینه مسائل و مشکلات جامعه محلی و...
- این شیوه از برنامه‌ریزی برای مردم توسط مردم نه تنها می‌تواند در جریان برنامه‌ریزی لیستی از مشکلات و کمبودها را ارائه دهد؛ بلکه قادر به ارائه مجموعه‌های از راه‌حل‌ها برای از میان بردن مشکلات و موانع نیز می‌باشند. و تحقق این موارد جز با توانمندسازی افراد جامعه محلی محقق نخواهد شد.

- بنابراین توجه به جایگاه توانمندسازی و ظرفیت‌سازی، باعث ارتقاء پتانسیل‌های موجود در سکونتگاه‌های روستایی، برای رسیدن به توسعه و بهبود عملکرد و افزایش سطح زندگی روستاییان می‌شود. درواقع، ارتقاء و بهبود مؤلفه توانمندسازی در روستاهای پیرامون شهرهمدان برای دستیابی به توسعه اجتماعی- فرهنگی پایدار آن‌ها همانند یکی از راهبردهای اثرگذار، ضرورت دارد که مورد توجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان توسعه روستایی قرار گیرد و زمینه و زیرساخت‌های لازم برای تحقق آن فراهم شود. برای تحقق این هدف، پیشنهاد می‌شود برای افزایش توانمندسازی مردم و توسعه اجتماعی- فرهنگی پایدار سکونتگاه‌های روستایی در فرآیند برنامه‌ریزی‌های روستایی نسبت به پیاده سازی و اجرای برنامه‌هایی با هدف افزایش آموزش و آگاهی بخشی، دانش و مهارت، شفاف سازی، نهادگرایی و تشکل سازی و مشارکت روستاییان از تصمیم‌گیری تا اجرا به منظور افزایش سطح توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی اقدام شود.

References

- Abdi Daneshpour., Z. (2008). An Introduction to Planning Theories- with Special Reference to Urban Planning Theories. Tehran: Shahid Beheshti University
- Akhter, J., & Cheng, K. (2020). Sustainable Empowerment Initiatives among Rural Women through Microcredit Borrowings in Bangladesh, *Sustainability*, 12(6):2275.
- Amundsen, S., & Martinsen, Ø. L. (2015). Linking empowering leadership to job satisfaction, work effort, and creativity: The role of self-leadership and psychological empowerment. *Journal of Leadership & Organizational Studies*, 22(3): 304-323.
- Amdam, J. (2005). Spatial planning in rural areas. In Collection of Papers-AESOP 2005 Congress, Vienna University of Technology, Austria.
- Akkoyunlu, S., & Türkçapar, M. H. (2013). One technique: Generating alternative thinking. *Journal of Cognitive Behavioral Psychotherapy and Research*, 2(1): 53-59.
- Allmendinger, P. (2002). Towards a post-positivist typology of planning theory. *Planning theory*, 1(1): 77-99
- Azimi Amoli, J, & Eftikhari. R. (2013). Rural Governance (Sustainable Management), Tehran: Humanities Research and Development Center Organization (Samt).
- Borghei R., Jandaghi G., Matin H.Z., and Dastani N. (2010). An examination of the relationship between empowerment and organizational commitment. *International Journal of Human Sciences*. 7(2):63-79. Available at <http://www.insanbilimleri.com/en>. (Persian)
- Campbell, S., Fainstein., S. (1996). Reading in planning theory: Blackwell.

- Douglass, M. (1998). A regional network strategy for reciprocal rural-urban linkages: an agenda for policy research with reference to Indonesia. *Third World Planning Review*, 20(1): 1.
- Eftekhari, R. B., & Behzadnasab.,J.(2001). Communicative planning as a critical approach in planning theory with particular refernce to rural development. *Journal Quarterly journal of humanities teacher of Humanities*, 8: 23-35. (Persian)
- Eiveida, A. (2009). Thessaloniki development conference. *Word bank sep*:3-4.
- Fernandez, S., & Moldogaziev, T. (2015). Employee Empowerment and Job Satisfaction in the U.S. Federal Bureaucracy: A Self-Determination Theory 16. Perspective, *the American Review of Public Administration*, 45 (4): 375-401.
- Ghasemi Azizi, Z., Mehdizadeh., H.(2021). How Rural Women Perceive Their Capabilities, *Social Development Quarterly (Former Human Development)*, 14(4):1-30(Persian)
- Hancer M., and Georg T. (2005). Psychological empowerment of non-supervisory employees working in full-service hospitality. *Management*. (22):3-5.
- Hassanlou, L. Azizpour, F., & Jalalian, H. (2018). Evaluation of the role of rural management in the sustainability of villages, a case study of Dastjarde village (Taram city). *Geography and Development Quarterly*, 16(52):157-174. (Persian)
- Heidari Sarban, V. (2013). Empowerment is a fundamental step towards achieving rural development, a case study: Meshginshahr city, *Geographical Research Quarterly*, 27(3): 188-169. (Persian)
- Halla, F. (2005). Critical elements in sustaining participatory planning: Bagamoyo strategic urban development planning framework in Tanzania. *Habitat International*, 29(1): 137-161.
- Healey, P. (1992). A planner's day: Knowledge and action in communicative practice. *Journal of the American planning association*, 58(1): 9-20.
- Innes, J. E. (1992). Group processes and the social construction of growth management: Florida, Vermont, and New Jersey. *Journal of the American Planning Association*, 58(4): 440- 453.
- Jose, G., & Mampilly, S. R. (2014). Psychological empowerment as a predictor of employee engagement: An empirical attestation. *Global Business Review*, 15(1): 93-104.
- Karimzadeh, H. Valai, M. & Manafi Azar. R. (2016). The role of diversifying activities in the sustainability of the rural economy, a case study: Mehmet Abad Miani Dehistan, Miandoab County. *Journal of Geographical Survey of Space*, 6(20), 129-144(Persian)
- Maroofi, S. (2004). Urban planning as a social phenomenon. *Journal of Shahrnegar* (26): 23-30 .(Persian)
- McDonagh, J., T. Varley, and Shortall, S. (2009). Sustainability and getting the right balance in rural Ireland. *A Living Countryside? The Politics of Sustainable Development in Rural Ireland*, Ashgate Publishing: 381-384.
- Namvong S.and Baconguis R. (2010). The farmer-driven approach and its contributions to farmer empowerment in the village extension system of Lao

- People, s Democratic Republic. *Middle-East Journal of Scientific Research*, 6(2):108-116.
- Nouripour, M. & ShahWali, M. (2018). Evaluation of the sustainability criteria of Dana city based on the communication process: the use of hierarchical analysis. *Rural Research Journal*, 2(1):63-92(Persian)
 - Ondrik, R. S. (1999). Participatory approaches to national development planning. Framework for Mainstreaming Participatory Development Processes into Bank Operations, ADB.
 - Rafiyan, M., & Maroufi, S. (2012). The role and application of communication planning approach in modern theories of urban planning. *Arman Shahr architecture and urbanism*, 4(7): 113-120. (Persian)
 - Rega, C. (2014). Introduction: Rural Development and Landscape Planning—Key Concepts and Issues at Stake. In *Landscape Planning and Rural Development*, 1-12. Springer International Publishing.
 - Riyahi, V. and Nouri, A. (2013). Diversification of economic activities and sustainability of villages, case study: Khoramdareh, *Space Economics and Rural Development*, 3(10): 113-128. (Persian)
 - Salehi Chegeni, M., Rahimian, M., Gholamrezai, S. (2018). Analyzing the Solutions of Microcredit Funds to Empower Rural Women (Case study: Lorestan Province). *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 49(2):675-687. (Persian)
 - Shojaee., Z. (2000). Proceeding of the women's empowerment seminar. Participation Affairs of Presidential Women's Department in Iran. Tehran: Center Publication. (Persian).
 - Shafiee Sabet, N., Heratifard, S.(2016). The effect of tour operators' participation on the sustainability and development of local settlements, a case study: Tehran and Alborz regions. *Journal of Tourism Planning and Development*, 4(13):.93-1,(Persian)
 - Swagemakers, P., & Garcia, M. D. L. D. (2015). How to move on. In *Collective action and environmental protection in the city-region of Vigo, international conference meanings of the rural-between social representations, consumptions and rural development strategies. Spain*.
 - Talshi, M, Darban Astana, A, & Mousavi, S, A. (2016). Explaining the spatial pattern of good rural governance around Karaj metropolis, *Geographical Researches on Urban Planning*, 5(4): 585-586. (Persian)
 - Twitchen, C., & Adams, D. (2011). Increasing levels of public participation in planning using web 2.0 technology. Birmingham City University, Centre for Environment and Society Research, Faculty of Technology, Engineering and the Environment.
 - United Nations (UN). (2016). Guidance In Preparing A National Sustainable Development Strategy: Managing Sustainable Development In The New Millenium. Outcome of the *International Forum on National Sustainable Development Strategies Accra, Ghana*